

که جنگ یونان و تروا ختم شده معمول بوده ثانیاً بوجود روح معتقد بوده اند ثالثاً عقیده داشته اند تا زمانیکه جسد مرده دفن نشده روح او بمرخود نمیتواند برود بعلاوه ترتیب سوزانیدن امواترا نیز می فرماییم که برای رجال بزرگ و سرداران نامی مراسم مخصوص و مفصلی بعمل می آمد که بطور اجمال بانها اشرفت رفت

پس نگارنده + عادات و عقاید یونانی های آن عصر را بقدری که از اشعار اییاد استنباط میشود خلاصه نموده در قسمت سوم این کتاب بیان مینمایم

صحیح است که وقایع اییاد افسانه است ولی نباید فراموش کرد که همیشه افسانه ها دور نمی حقایق اند منها اینکه آن حقایق گاهلا واضح و روشن نیست بعلاوه ما از تاریخ تمدن سه هزار سال قبل یونان جز همین افسانه ها که معتبر ترین آنها منظومات همر است چیزی در دست نداریم و نظیر باینکه ریشه و منبع تمدن کنونی مشرق تمدن قدیم یونان میباشد پس باید قبل از آنکه وارد مباحث تمدن کنونی شویم کیفیت تمدن قدیم یونانرا بیاموزیم و بعبادهی عادات و رسوم که امروز در ملل دنیا رایج و معمول است آگاه شویم. یونانی ها نیز تمدن خود را از مصر و آشور فرا گرفتند اما بقدری فریجه یونانی در تمدنی که اخذ نمود دخالت کرد و در آن تغییر و تبدیل وارد ساخت که تمدن خویش را مستقل و جداگانه معرفی کرد . مثلاً مصرها

و آشوربا حیوان و ججاد را میپرستیدند و ملی یونانی ها این سنج پرستش را بدور افکنده میبود هائی برای خود قائل شدند که با انسان شباهت داشته و تقاوتی که میان آنها و انسان بود قدرت آن میبود آن و جاوید ماندن آنها بود . بنابراین در میان تواریخ ملل قدیمه تاریخ یونان بزرگتر و مهم تر است و بهند بیشتر مورد تحقیق واقع شود . نظر عمده نگارنده نیز از تلخیص و ترجمه اینبار مواضع تاریخی آن بود و الا برای درک لطایف مشهور ادبی منظومات هم چاره نیست جز اینکه باید اصل یونانی آن رجوع نمود بالاقبل ترجمه ای که از اصل یونانی آن بعمل آمده باشد ملاحظه کرد

در این قسمت آنچه نگاشته میشود ماخذ آن ها فقط اشعار ایلیاد است به همین مناسبت عنوان این قسمت را هر چند که وقایع ایلیاد چندین قرن قبل از هم واقع شده است باالفای (سیبوس) مورخ شهر فرانسوی « تمدن عصر هم » قرار دادیم تا از تمدن سایر ازمته قدیم یونان نیز مقرون بوده باشد

در ازمته قدیم یونان تمدن عصر هم که جنگ یونان و تروا را در بر دارد بسی مهم است زیرا این جنگ قرون معروف بااعداد بهارانی را خاتمه داد بهلاوه در مدت هشتاد سال بعد از آن جنگ تبدیلات بزرگتر در یونان اتفاق افتاد که چندین طایفه موطن خود را تغییر ابدی دادند چون از نگارش این قسمت فقط مقصود

ذکر عادات و رسوم عصر هم است و نمیخواهیم از محیط اشعار ایلیاد خارج بشویم برای دانستن تغییراتی که پس از جنگ یونان و تروا اتفاق افتاد باید بتاریخ متصل یونان رجوع نمود

این مطلب نیز ناگفته نماند که در ازمنه قدیم مسما جنگ تروا یکی بین یونان و مملکت مقتدر دیگری که در سواحل مقابل بحر « اژه » وجود داشته و الفخ گردیده و آن مملکت که با تمام ملل آسیای صغیر متحد بوده است تروا خوانده میشده و گذشته از این که پاره ای از روایات وقوع آن جنگ را ثابت مینمایند کشتیاتی که در سال ۱۸۸۲ شیمان کاشف هلندی نموده است وجود آن مملکت مقتدر و سلطان متمول آن را ثابت ترمیکند. کاشف مزبور هم محل گنج پریم پادشاه تروا و هم قبر اکمنن سه سالار سپاه یونان را کشف نمود

اینک بدون اینکه در سطور بعد از اشعار ایلیاد خارج شویم عادات و عقاید عصر هم را بطور اختصار ذکر میکنیم

فصل اول

اوضاع دینی

ارباب انواع - باعتماد یونانی های قدیم تمام موجودات در بدو درت موجودات دیگری است که جمیع

امور برآده آنها صورت میگیرد ولی هر کدام شغل معینی دارند و در پیکارهای امور مخصوص خود دخالت مینمایند، مثلاً تمام کوههای دنیا تحت نظر یکی و تمام دریاها تحت اراده دیگریست یا اینکه یکی فقط در جنگلهائی که روی زمین اتفاق میافتد دخالت میکند و دیگری در عروسی-هائی که واقع میشود باید نظارت نماید . بعبارت دیگر هر نوع از مخلوقات یا هر نوع از امور تحت اراده موجودی است که او را اگر مرد باشد رب النوع و هر که زن باشد ربه النوع میگویند .

ارباب انواع یا خدایان یا بشر چندان تفاوتی نداشته و مانند انسان دارای روح ، جسم ، هوا ، هوس ، شعوه ، عقل و حد می باشند . غذا میخورند ، سوار میشوند ، مسکن ، خانواده ، قبیله ، فرزند ، ترویج و تناسل دارند ، در محافل انس و طرب حاضر میشوند گاهی با انسان در عیش و عشرت شرکت مینمایند برای مقام خداوندی آنها خیلی ناشایسته نیست که دختر خود را انسان ترویج کنند (بنه) پدر آشیل چون هم شکارچی قیل و هم جوان زیبایی بود « ته نیس » که دختر خوشگل رب النوع در بابود بیوجیت او در آمد

ارباب انواع معصوم نیستند . دزد ، زانی ، زانیه ، محیل و کینه جو در میان آنها وجود دارد و این احوال بشر را امر بمعرفت و نهی از منکر میکنند و ثواب و عقاب

بدهند. این تناقض تنها در اعمال آنها میباشد بجهت برهائی از صفاتشان نیز متناقض است. مثلا در عین حالی که زندگی جاوید دارید ممکن است بدست یکی از خدایان یا یک نفر از افراد بشر کشته شوند و همچنین با اینکه از بهشت ابدی منتفع اند غم و اندوه دارند و گاهی فوق العاده بدبخت می شوند.

در اول این فصل اشاره نمودیم که هر کدام از خدایان مباشر عمل مخصوصی است و نباید در کار خدای دیگر مداخله کند اما ژوپیتر حاکم مطلق و خدای خدایانست دست او بالای دستهاست و بازرسی از وی نیست. تراژوی قضا و قدر بدست او میباشد. چون زمین جای بدبختی و دار فنا و آسمان جای خوشی و آسودگی است هر وقت ژوپیتر میخواهد سرنوشت کسی را بفهمد قضا و قدر را در یک کفه و سرنوشت آن شخص را در کفه دیگر میگذارد و تراژو را بلند میکند اگر کفه قضا و قدر زمین که جای بدبختی است تعادل کرد بالعین کفه سرنوشت بالا میرود و معلوم میشود آن شخص خوشبخت است و سرنوشت خوب دارد و هرگاه کفه سرنوشت با این آمد معلوم میشود آن شخص بدبخت میباشد.

مقدرات جمیع مردم از بارگاه ژوپیتر تعیین میشود زیرا در آستانه آن درگاه دو ظرف کداعته شده که در یکی